فصلنامه تخصصی سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)
علمی - پژوهشی
سال ششم – شماره سوم – پائیز ۱۳۹۲ - شمارهٔ پیاپی ۲۱

نقد ادبی در تذکره‌های سبک هندی

(ص ۲۶۲ - ۲۴۷)

محمد رضایی[۱] (نویسنده مسئول) ، آرزو نقی زاده[۲]

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۶/۲۱
تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۸/۴

چکیده

نقد آثار برجسته در تمام اعصار آفرینشهای ادبی حضور داشته است، اما توجه به آن به دلیل شفاهی بودنش اندک بود. در سیر تکامل آثار ادبی، نقد آن نیز به عنوان یکی از شاخه‌های فنون و علوم ادبی، رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است. در تاریخ ادبی ایران، این گسترش نقد بیشتر در عصر صفویه و سبک موسوم به سبک هندی نمود دارد. از این رو توجه به آثار این دوره ادبی، کشف نحوه نقدهای آن روزگار و نگاه ایشان به نقد دارای اهمیت است. از آثاری که در این دوره نقد ادبی در آنها به چشم میخورد، تذکره‌ها است. روش خاص تذکره‌های این دوره از جمله آوردن اصطلاحات خاص برای توصیف و تحلیل اشخاص یا متون ادبی آنها، تقلید از تذکره های پیش از خود، انتخاب اشعار شاعران بخصوص اشعار نگاشته شده در عصر معاصرشان خاص همان دوره بوده است، که بررسی خواهد شد. هدف این مقاله شناخت نقد ادبی در تذکره های موجود سبک هندی و آشنایی با این آثار ارزشمند و ابعاد انتقادی آنها میباشد.

کلمات کلیدی

سبک هندی، نقد ادبی، تذکره، انتخاب اشعار، رویکردهای نقد ادبی

۱ . استادیار رشته زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه سمنان Rezaiesem@gmail.com
۲ . دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه سمنان

Archive of SID
www.SID.ir

مقدمه

از آنجایی که همیشه در بررسی مطالعات انجام شده، سهم مطالعه در حوزه سبک هندی و تاریخچه نقد ادبی در ایران اندک بوده است، این مقاله پیشینهٔ تحقیقاتی پرباری نداشته است. نقد ادبی در غرب و رویکردها و انواع نقد از منظر سایر ملل مورد توجه قرار گرفته است؛ در حالیکه محققین در اغلب موارد به نقد ادبی در ایران بی‌اعتنا بوده‌اند. ازمیان آثار ارزشمندی که در این خصوص کار شده است، کتاب آقای نقوی دربارهٔ تذکره‌های فارسی در هند و پاکستان، کتاب«نقد خیال» اثر دکتر فتوحی و آقای محبتی در کتاب «از معنا تا صورت» به مباحثی چون تذکره‌ها، نقد ادبی در سبک هندی و رویکردهای مختلف در سبک هندی پرداخته‌اند؛ اما مقاله‌ای در این خصوص یافت نشده است و این نشاندهندهٔ کم‌لطفی به نقد ادبی در ایران کهن و سبک هندی دارد. مقاله پیش رو، ضمن بررسی تذکره‌ها و ارتباط آنها با نقد و نیز نقش و تأثیر ایشان در روند نقد ادبی، به مطالعهٔ رویکردهای انتقادی این سبک نیز میپردازد و در پایان در پی جلب توجه محققین به سبک هندی و نقد ادبی در عصر مذکور بوده است.

کلیتی در باب تذکره‌ها

تذکره کلمه‌ای از مقوله اسم و با ریشه «ذَکَرَ» است. این واژه در معنی «یادداشت و بمعنی یاد آوردن و پند دادن» میباشد (فرهنگ آنندراج، «تذکره»). گوپاموی نویسنده تذکره نتایج الافکار لفظ تذکره را در معنی دقیق آن در دوره صفویه و آنچه مد نظر ماست، بکار برده است: «این شیفته کلام نغز و دل باخته سخن پرمغز را گاه گاه به خاطر خطور میکرد که در بیاضی اشعار شعرای نامدار متقدمین و متأخرین و بعضی از معاصرین نگاشته آید . در این ضمن رأی اکثری از اجلّه و احباب بر این قرار گرفت که چیزی از احوال هر یکی از آنها هم قل و دل به قلم در آید تا از تو تذکره‌ای یادگار باشد» (نتایج الافکار: ۳۲- ۳۳) . صاحب کتاب گرانقدر شعر العجم نیز به این معنی واقف بوده است و از بکار بردن این واژه برای کتبی که صرفاً اشعار شاعران را ذکر میکنند، شکایت میکند و عملاً معنی و حدود کاری تذکره‌نویسان را در دوره صفویه و پس از آن مشخص میکند. وی اینگونه اذعان دارد که: «شکی نیست که تذکره‌های زیادی تألیف شده ولی اگر بدقت ملاحظه شود این تذاکر در حقیقت جنگ یا بیاضی[1] از اشعارند که در آن، اشعار عمده شعر انتخاب و نوشته شده‌اند، لیکن شرح احوال شعرا و حوادث و موانعی که بر آنها رویداده خیلی کم متعرض شده خاصه

Archive of SID

www.SID.ir

از انقلابی که در هر عصر در شعر ادب پدید آمده و نیـز از علـل و اسـباب آن انقـلاب هـیچ ذکری بعمل نیامده است (شبلی نعمانی ،ج۱ : ۴) .

هر کسی نمیتواند تذکره نویس باشد. او باید دارای ویژگیهای خاص و توانایی لازم باشد. چنانچه شرایط تذکره‌نگاران را اینگونه توصیف میکنند: «و اکثر با هم یاور شده بـه معاونـت یکدیگر راه پیمایش تاریخ و سیر نگارش تذکره واگیرند به گمـان آنکـه چـون قصـه خـوانی است آسان میسر است، غافل از اینکه هر چند افسـانه‌سـنجی اسـت امـا موقـوف اسـت بـه بضاعتی و تحقیق حکایتی و معرفت هر روایتی و صدق مقالتی و جـودت قریحتـی و صـفای طویتی الی غیر ذلک من اشراط الازمه » (تذکره المعاصرین، حزین لاهیجی:ص۹۱) .

تذکره نویسان خواه ناخواه درگیر نقد اشخاص یا ابیات آنها بودند. بررسی انتقادات ایشان در ذیل عناوین زیر جای میگیرد.

۱.شفاهی بودن اغلب نقدها

در ایران، با بررسیهایی که بر روی نقد در دوره‌های مختلف انجام گرفته است، نتیجه‌ای کـه حاصل شده این میباشد که در بعضی مواقع، انتقادات به صورت شفاهی بوده و ثبت و ضبط نشده است. کتبی نبودن انتقادات باعث فراموش شدن آنها شد و این عاملی برای انکار برخی از محققین در مورد وجود تاریخ نقد در ایران بود. اکنون بـا بررسـیها و تحقیقهـای دقیقتـر میتوان وجود نقد را اثبات کرد و حتی شفاهی بودن آن را نشان داد که در این جا به برخـی از این موارد اشاره میشود.

در هنگام مطالعهٔ تاریخ سلسلـه‌هـای پـادشـاهان و یـا تاریخ ادبی کشـور، به مقام ملـک الشعرائی بـرمیخوریم. ملک‌الشعراء در واقع شاعر برجسته در دربار پادشاهان بوده است کـه علاوه بر سرایش اشعار بر کار دیگر شاعران نیز نظارت داشته است. او آثار منثور یـا منظـوم دیگر نویسندگان یا شاعران را میخواند و انتقادات خود را شـفاهاً بیـان میکـرده اسـت. آثـار ملک‌الشعراء الگویی برای کار دیگر افراد بود و این خود از کارهای منتقدان است کـه شـیوه درست نگارش را به دیگران چه تئوری و چه عملی نشان دهد.

در دوره صفویه مجالس ادبی در قهوه‌خانه‌ها، دربار پادشاهان چه در ایران و چه در هنـد و در خانه ادیبان برگـذار میشـده اسـت. در ایـن مجـالس شـاعران بـه خوانـدن اشعارشـان میپرداختند و دیگر افراد آن آثار را شنیده و نقد میکردند. بطور مثال دربارهٔ ملا غرور آمـده است: «در قهوه خانه ساکن بود. یاران اهـل معنـی جهـت درک صـحبت او بـه قهـوه خانـه میآمدند» (تذکره نصرآبادی، نصرآبادی: ص۴۳۹) و یا دربارهٔ میر رضی دانش: «نقل صحیح است که روزی در قهوه‌خانه اصفهان که میرزا صائب جا گرم داشت. میرزا رضی دانش غزلهای خود را پیش

www.SID.ir

میرزا میخواند. میرزا غزلها را شنید» (سفینه خوشگو، خوشگو: ص۲۳۸). همچنین نمونه‌ای از اشعار شاعران بزرگ چون حافظ، نظامی، خاقانی و... به عنوان یک الگو طرح میشد تا شاعران با توجه به شاخصهای موجود در آن شعر، شعری متناسب با آن بسرایند. این الگو قرار دادن و در اصطلاح «تتبع» و یا طرح اشعار، خود نوعی اظهار خط مشی برای شاعران بوده است و در حیطهٔ کار نقد قرار میگیرد. چنانچه در این باب فخرالزمانی قزوینی میگوید: «گفتم غزلی طرح کنید، غزلی طرح کردند، بتوفیق فیاض علی‌الاطلاق خوب گفتم و هرچه در میان میآوردند همچنان میگفتم که به از آن نتوان گفت» (تذکره میخانه:ص۸۸).

۲. فعالیت تذکره‌ها در حیطهٔ نقد ادبی

تذکره‌نویسی بعد از لباب‌الاباب عوفی در ایران رسم شد. هر چه پیش میرفت به نکات انتقادی آنها افزوده میشد. در ابتدا تنها شرح احوال شاعران نگارش می‌یافت و در بعضی از مواقع و از برخی جهات - آن هم در لفافه- شعر یا شخصیت شاعر نقد میشد؛ اما با گذشت زمان جنبه انتقادی تذکره‌ها پررنگتر شد. هر چند قریب به اتفاق تذکره نویسان تا پایان دوران صفویه به شفاف‌سازی مباحث تئوری نقد نپرداخته‌اند، اما بررسی نکات نقدهای عملی آنها نیز خالی از لطف نیست.

تذکره‌ها در هر سطح و هر زمانی که باشند به نوعی در حوزه نقد کار میکنند. از جمله نقش تذکره‌ها و نویسندگان آنها در نقد موارد زیر میباشد:

۱. نقش انتخاب اشعار از میان انبوه سنت شعری باقی مانده از دوره‌های گذشته ادبی و شعر معاصر تذکره‌نویس. بخصوص در دوره صفویه که تعداد شاعران به شدت نسبت به دیگر دوره‌ها افزایش یافته بود؛ تذکره‌نویس مقید میشد که بهترین اشعار شاعران را انتخاب کند و در کتاب خود نمونه‌ای از بهترین آنها را که نشان دهنده ویژگیهای سبکی او نیز باشد، بیاورد؛

۲.گزینش گفتارهای دیگر کتب برای نگارش در تذکرهٔ خود از میان گفته‌ها ، شنیده‌ها و خوانده‌های موجود. تذکره‌نویس باید در منابع خود دقت داشته باشد و با دیدگاهی انتقادی به مآخذ به دست آمده، نگاه کند و آنچه بر دیگر مطالب ارجحیت دارد را ذکر کند؛ گاه یک سخن دربارهٔ یک فرد در چند تذکره دیده میشود و این موضوع حاکی از آن است که تذکره‌نویسان از دیگر تذکره‌ها رونویسی میکردند. چون سخنی درباب حکیم شفایی که: «از بدیهه طرازی او یکی اینست که ملا محتشم میگوید که: «خوب گفته‌ای، اما به خربوزه گرمک اصفهان میماند که به حسب ندرت شیرین واقع میشود» حکیم در جواب میگوید که:

Archive of SID

www.SID.ir

«الحمدلله به گرمک کاشان نمیماند که در کل شیرینی ندارد» و ملّا محتشم روی خود را تازه میدارد و خندان میشود» (تذکره نصرآبادی، نصرآبادی: ص۳۱۳ - ۳۱۴).

۳.نحوه بیان شعر شاعر و احوال او اهمیت دارد ؛

۴.ایراد نکته‌های انتقادی در باب شعر و هنر شاعری. اینکه یک شعر از دید تذکره‌ها خوب باشد یا بد و یا اظهار عقیده در مورد شخص شاعر و نحوهٔ زندگی او به مرور وارد تذکره‌ها شد. نکات انتقادی باید به دور از غرضورزیهای شخصی و صریح اعلام شده باشد تا مفید واقع شود. دربارهٔ قاسم دیوانه چنین گویند: «اشعارش تأمل طلب، بلکه اکثر بی‌معنی هم دارد، چنانچه بر متتبع پوشیده نیست. از همین جهت مبتدی را مطالعهٔ تتبع دیوانش زیان دارد. با این همه طرز خاص او بر همهٔ طرزها چرب افتاد و در تازگی و دقت پسندی و بلند تلاشی و معنی بندی نظیر نداشته» (سفینه خوشگو، خوشگو: ص۵۵۵).

۳. روش انتخاب اشعار در تذکره‌ها

انتخاب اشعار در تذکره‌ها مربوط به حوزه انتقادات میشود، چرا که هر شاعر با شعرش شناخته و سنجیده میشود. انتخاب اشعار به خوانندگان کمک میکند تا شاخصترین نمونه اشعار را بخوانند و به یک دیدگاه منسجم درباره شعر و شخصیت شاعر برسند. تذکره‌نویسان «ابیات محققانه هر یک را نسبت به سایر ابیات وی انتخاب ساخت و به ضبط اشعار هر کتاب به قدر گنجایش آن پرداخت. چه اگر از بسیاری، بسیاری نگاشته، سبب ظاهر است که اشعار بسیاری داشته و الحق جمعی فی الحقیقه گنجایش آن دارند که همهٔ افکار ایشان را نگارند و مانع تحریر نمودن باعث تطویل کتاب و موجب تعطیل کتاب بودن خواهد بود» (ریاض الشعرا، داغستانی: ص۱۰).

یک تذکره‌نویس به دو صورت اشعار را گزینش و مرقوم میکند. او میتواند یا تمام اشعار شاعر- یا حداقل آنهایی که در دسترس قرار دارد- را مطالعه کرده و در ضمن مطالعه به انتخاب ابیات یا اشعار برجسته دست بزند و یا تذکره‌های دیگر، جنگها و سفینه‌ها و... را مطالعه کرده و اشعار موجود در آنها را در تذکره خود مکتوب کند. بطور حتم اگر تذکره‌نویس وقت بیشتری را صرف گزینش اشعار کند، کتاب با کیفیت‌تری را تحویل مخاطبان میدهد. شخصی که اشعار را انتخاب میکند به خود اشعار تشخص میبخشد و اهمیت آن شاعر را نشان میدهد، چون جلال الدین اسیر: «شعرش بسیار به تازگی و شوخی، رنگینی و صافی و حسن ادا واقع و این چند شعر انتخاب زدهٔ صائبند» (سفینه خوشگو،خوشگو: ص۳۱).

Archive of SID

www.SID.ir

۴. ابهام در گفتار تذکره نویسان

سخن نصرآبادی در مورد میرزا باقر چنین است: «و در نظم اشعار و معما سلیقه‌اش معیاری است» (تذکره نصرآبادی، نصرآبادی: ص۲۵۰). چطور سلیقهٔ یک فرد تبدیل به معیاری برای سنجش قرار میگیرد؟ و اصلاً آن معیارها و موازین چیست که دانستن آنها مهم است؟ نمونه‌ایی دیگر از ابهام در سخن تذکره‌ها، چون گفتاریست که حزین درباره سید قاسم بروجردی در تذکره المعاصرین خود گفته است: «و به شعر و معما چنان آشنا که به اندک تأمل گفتی و پسندیده گفتی» (حزین لاهیجی: ص۱۳۶). پسندیده گفتن به چه چیزی بستگی دارد؟ این نمونه‌ای از سؤالاتی است که در مطالعه اکثر تذکره‌ها مطرح میشود و جواب قطعی برای آن یافت نمیشود و یا عبداللطیف خان تنها که «خیلی به نازکی میگوید» (سفینه خوشگو، خوشگو: ص۱۴۸). دربارهٔ امیرخسرو دهلوی هم در لفافه گفته شد: «اشعار آبدار و ابیات غرای آن خسرو خورشید اشتهار مستغنی از تعریف و بی‌نیاز از توصیف ارباب امتیاز و اصحاب اخبارست» (تذکره میخانه، فخرالزمانی، ص۱۳۴۰: ۵۷). عبدالرحیم خان خانان هم: «در فهم و فراست ضرب‌المثل، و در دقیقه یابی و ادا فهمی بی‌بدل. در داد سخن دادن اداها نموده که چشم کسی ندیده» (کلمات الشعرا،سرخوش:ص۷۹). اما افسوس که تذکره نویس ادافهمی، داد سخن دادن، فهم و فراست و دقیقه یابی را تعریف نمیکند و سخن خود را در ابهام باقی میگذارد. در تذکره‌ای دیگر دربارهٔ شخصی با تخلص معنی میآید: «شعر به کمال هموار میگفت . طبعش خالی از انگیزی نبوده» (سفینه خوشگو، خوشگو: ص۶۳۰).

۵. نقش اغراض شخصی در انتقادات

بعضی از تذکره‌نویسان حب و بغض شخصی یا گروهبندیهای سبکی را در نقد آثار وارد کرده و انتقاداتی یکسویه ارائه میدهند. این نظرات شخصی و بدون پایه و اساس درست، بعدها در دیگر تذکره‌ها هم وارد میشود و ذهنیت منفی نسبت به یک شخص پدید میآورد. بطور مثال نقد اشعار حزین لاهیجی در تنبیه‌الغافلین از خان آرزو اکبرآبادی نمونه‌ای از این مسئله میباشد که حزین در گروه شاعران ایرانی و وابسته به گذشته ادبی ایران میباشد. او بی‌پرده از تندرویهای شاعران هندی سخن میگوید. خان آرزو نیز در مقابل این کتاب را نوشته و ایراداتی -گاه نابجا - بر شعر او وارد میکند. خان آرزو ایرانیان را «کاسه لیسان» هند میخواند و این هم دلیلی جز دشمنیهای گروهی شاعران هند با ایرانیان ندارد. گاهی نام برخی از افراد به دلیل همین گروه‌گراییها است. چون فردی با تخلص طالع که نامش در تذکره‌ها میآید زیرا «در خانه وی مجمع شعرا همیشه میبود. چنانچه میرزا حسن ایجاد و محمد حسین بهجت و دیگر شعرا صحبتها داشتند» (تذکره نصرآبادی، نصرآبادی: ص۴۲۴). مسیحای پانی پتی هم شعرش ویژگی خامی را به خود میگیرد، چون مطابق با نظر تذکره

Archive of SID

www.SID.ir

نویس نیست. دربارۀ وی آمده است: «روزمره‌اش اگرچه خام است و موافق تازه‌گویان عرفی نیست...» (کلمات الشعرا، سرخوش: ص۱۷۵).

۶.سجع‌گرایی و لفظ پردازی در کلام تذکره نویسان

برخی از ویژگیهای تذکره سبب مفصل شدن آنها شده است مانند لفظ‌پردازی و سجع که در نثر آنان دیده میشود. القاب و عناوین مسجع برای شاعران مذکور در تذکره‌ها که گاهی با شخصیت، شعر و مقام شاعری آنها هماهنگی ندارد، باعث افزایش حجم کتاب میشود . جملاتی پی در پی و توصیفاتی متوالی گاه به خاطر رعایت سجع و موازنه آید (نقد خیال، فتوحی: ص۲۳۹). تذکره نگاران نیز به سجع و آرایش الفاظ متن خود توجه میکردند و نمونه‌هایی از این سجع‌گرایی به خصوص در مقدمه آثار دیده میشود. چون سخن حزین لاهیجی دربارۀ تذکره‌نویسی که میگوید: «هر چند افسانه سنجی است اما موقوف است به بضاعتی و تحقیق حکایتی و معرفت هر روایتی و صدق مقالتی و جودت قریحتی و صفای طویتی الی غیر ذلک من اشراط الزامه» (تذکره المعاصرین،حزین لاهیجی: ص۹۱)گاهی لفّاظیهای تذکره‌ها باعث گزافه گویی و مهمل بافی میشود که این البته از نقطه ضعفهای آنها به شمار میرود.در مورد ملا بقایی آمده است: «به کلام دل فریب شکار جانها مینمود و با اشعار آبدار دلها از دست میربود» (نتایج الافکار، گوپاموی: ص۹۷). نثاری بخاری در «تعریف و شرف شعر» میگوید: «بر مهندسان اساس معانی و مدرسان سخندانی مکتوم نخواهد بود که هر کلامی که به منطق شیرین از کتم عدم قدم در پیدای وجود نهاد اگر ناطق آن در رشته انتظام چون عقد ثریا صورت جمعیت را منعقد داشته و وزنی از اوزان شعری را بی قصد نگذاشته آن نظم را نظم میخوانند» (مذکر احباب: ص۵).

۷. دو گونه از نقد: نقد شعر یا نقد شاعر

گاهی تذکره‌نویسان شعر شاعران را میسنجند و گاهی به خود شخص شاعر توجه میکنند و شخصیت شاعر را نقد میکنند. از نمونه‌های نقد شعر شاعران سخن ملا فخرالزمانی در تذکره میخانه درباره حکیم عارف ایگی قابل توجه است: «ابیات او حکیمانه و منظوماتش دانشمندانه است بطرز قدما حرف میزند، و مطلق گرد روش شعرای این ایام نمیگردد و در واردات آن حکیم سخنور لغت عربی کم است و الفاظ معانی او اکثر فارسی واقع شده» (فخرازمانی قزوینی: ص۶۲۸) و یا دربارۀ الهی بخاری که: «اشعار سنجیده و گفتار پسندیدۀ بسیار دارد. در تحصیل معنای و دقیقه سنجی تتبع آصفی مینماید، صاحب دیوان است» (مذکر احباب، نثاری بخاری: ص۸۱). دربارۀ فلانی نیز گویند: «در تلاش و شوخی الفاظ، ثانی زلالی بود. میخواست که جواب سبعه سیاره او بگوید» (مردم دیده،حاکم لاهوری: ص۱۶۹).

Archive of SID

www.SID.ir

اما سام میرزا صفوی در جایی درباره شرف الدین علی بافقی برخلاف نمونه فوق به سنجش شخص پرداخته است. «وی در ملک سخنوری و طلاقت بیان سحبان زمان، لاتکلف، تا اختر فضایلش بافق کمال برآمده از پرتو طلوع آن عرصه ساحت فصاحت روشن است. و تا گلبن افضالش در جویبار سرابستان کمالات سرکشیده فضای دلگشای بلاغت از سایه گلشن او خرم و...» (تحفه سامی:ص۸۴). در خصوص فیضی فیاضی هم چنین گفته شد: «در شاعری و نکته سنجی و طالب علمی و دانش اندوزی و لغت دانی و انشا طرازی از بی بدلان وقت خود بوده است» (سفینه خوشگو، خوشگو: ص۵۱۰).

این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که قریب به اتفاق تذکره‌نویسان این عصر در مورد نقد شاعران و شعر آنها نمونه هایی را در کتب خود جای داده‌اند. گاهی شعر شاعران و گاهی خود شاعر را نقد کرده‌اند و این مسئله مختص به تعدادی نویسنده یا فرقه‌ای خاص از آنها نیست، بلکه در قریب به اتفاق تذکره‌ها این ناهماهنگی در نقد دیده میشود.

گاهی تذکره‌نویس شعر و شخصیت شاعر را همزمان مورد توجه قرار میدهد چون سخنی دربارهٔ قبول که: «نازکی ایهامش چون صبحدم رنگ قبول بر چهرهٔ عالم بسته و براقی معانیش چون مهر منیر، شأن تابش انجم شکسته. اصل آن جناب از جنب نظیر کشمیر است. در تمام اقسام سخن بی‌نظیر. شاعر غرّا و شاگرد میرزا داراب بیگ جویا تخلص بوده. شکفته پیشانی و بزرگ منش، فراخ حوصله. بلند همت و آراسته و خوش خیال، نازک تلاش، ایهام بند صاحب کمال بود » (همان:ص۵۶۱). یا در خصوص شخصیت خان آرزو اکبرآبادی گویند: «عزیز صاحب کمال و شاعر شیرین مقال، به وسعت مشرف موصوف، بی ساخته و بی تعین کسی بود» (مردم دیده، حاکم لاهوری: ص۹۵).

۸. نحوهٔ بیان انتقادات در تذکره ها

عموم تذکره نویسها ابتدا شرحی هر چند مختصر از احوال شاعر ارائه میدهند . گاهی اوقات صرفاً به ذکر نام و تخلّص شاعر و یا اینکه اهل کجاست و چه شغلی دارد، بسنده میکنند، اما گاهی چندین صفحه از کتاب را به شرح حال شاعر و بیان افسانه‌ها و قصه‌هایی درباره او- که شاید واقعی هم نباشد- میپردازند.

بطور مثال در کتاب کلمات الشعراء در شرح احوال فردی به نام میرزا محمدعلی رایج، نوشته است: «از سادات سیالکوت. مردی قلندر وضع و آزاد مشرب» (کلمات الشعرا، سرخوش: ص۹۱)، اما در چند صفحه قبل از آن وقتی از احوالات عبدالرحیم خان خانان سخن میگوید چیزی قریب به پنج صفحه نام و نسب، شغل و داستانهایی که درباره او مشهور است، سخن میگوید. همچنین در دفتر دوم سفینه خوشگو چنین درباره شاه کرم نوشته شده: «از سادات صاحب کرامات ولایت خوانسار است» (همان: ص۳۴۳) ولی از شکیبی که میگوید، حدود دو

www.SID.ir

صفحه را به شرح حال و سه صفحه از اشعار وی نقل میکند. حاکم لاهوری، نویسنده کتاب مردم دیده، یک خط را به ذکر احوال فردی با تخلص فصاحت اختصاص میدهد و شش صفحه را به ذکر خان آرزو اکبر آبادی میگذراند. دیگر تذکره‌ها هم به همین منوال شرح حال شاعران را ذکر میکنند که گاهی منطقی به نظر میآید، چرا که کنجکاوی درباره زندگی اشخاص مهم بیشتر از افرادی است که شهرت چندانی ندارند؛ در نتیجه شرح زندگانی و وقایع گذشته آن افراد نیازمند بسط و گسترش بیشتری است.

پس از آن بتدریج نقاط قوت شاعران خوب- البته با اغراق در مورد برخی از آنها- هم در میان شرح حال آنها و یا قبل یا بعد از اشعار انتخاب شده از آن شاعر، اضافه شد و از آن به بعد تذکره‌نویسان بحث از نقاط ضعف شاعران را هم به میان آورند. همزمان با این امر، تعداد شاعران حاضر در تذکره هم زیاد شد و تذکره نویسان هر شخص با حداقل تعداد ابیات را هم در کتب خود معرفی کردند. چون ملّا رضوان که: «صاحب دو بیت بیش نبود. در آن دو بیت نیز یاران، ابتذال برآوردند و بیچاره را بی مایه ساختند» (همان: ص۹۳).

۹.معیارهای سنتی نقد ادبی در تقابل نگاه مدرن

نوعی دیگر از تقسیم بندی تذکره‌ها بر اساس ملاکهای نقدی و بنیادهای کاری هر ناقد است. عده‌ای از آنها نگاهشان بیشتر بر اساس معیارهای سنتی و کار استادان سخن در زمانهای قبل است. آنها هنوز چشم به طرز قدما دارند و عبور از مرز قدما را عملی ناشایست میدانند. از جمله آنها منیر لاهوری و شیدا فتحپوری و آزاد بلگرامی است. عده‌ای دیگر جریان روان و پویای ادبیات و نقد ادبی را درک کرده اند و معیار آنها برای اثر بهتر، هماهنگی با معیارهای زبانی، ذوق سلیم و عرف ادبی زمانه میدانند . از جمله این ناقدان خان آرزو اکبرآباد است (از معنا تا صورت، محبتی، ج۲: ص۸۳۷). فخر الزمانی قزوینی از جمله تذکره نویسانی است که به دنبال ویژگیهای سبک هندی در شعر شاعران میگردد؛ چون: «ابیات او حکیمانه و منظوماتش دانشمندانه است، به طرز قدما حرف میزند و مطلق گرد روش شعرای این ایام نمیگردد» (تذکره میخانه: ص۶۳۸). از عاملان تازه گویی میرزا محمد طاهر که درمورد او آمده است : « در شعر، طرز تازه که مختار بعض متأخرین است رواج یافته و رونق بخشیدۀ او است» (تذکره المعاصرین، حزین لاهیجی: ص۱۴۱).

۱۰. رویکردهای نقد ادبی در سبک هندی

۱۰-۱. نقد صوری در سبک هندی

افرادی چون تذکره‌نویسان در هجوم خیل شاعران به نوشتن سرگذشت آنها و انتخاب اشعارشان برای سهولت در انتخاب خوانندگان و گاهی بیان اغلاط شاعران، نقاط ضعف و

Archive of SID

www.SID.ir

قوت آنها پرداختند. ناقدان از دو منظر صوری و معنایی به نقد اشعار دست میزدند. که در ادامه به بیان نمونه ها و شرح آنها پرداخته میشود.

نقد عروض و قافیه: چنانچه دربارۀ امتیاز اصفهانی بیان میشود: «اشعار خود را بر میرزا صائب خوانده و با آنکه سواد خط نداشت دیوانش بیست هزار بیت باشد. هرگز در قوافی و استعمال لفظ به موقع خود غلط نکردی»(تذکره شمع انجمن، حسن خان: ص۹۹).از نمونه های دیگر: «در اقسام شعر بد نبود اما در شعر او قافیه غلط بسیار است» (تحفه سامی، سام میرزا صفوی: ص۲۱۷). خان آرزو از اشعار حزین لاهیجی شعری را میآورد و ایراد قافیۀ او را بیان میکند به این صورت که: «[در ذکر اشعار او:]

حال دل آسوده دلان سوخت دلم　　بی دردی این بی خبران سوخت دلم
درد دل هیچکس مرا یاد نکرد　　بر حال سلامت طلبان سوخت دلم

مخفی نماند که این رباعی، قوافی شایگان جلی دارد که مکروه محض است و بعضی از متأخران آورده باشند لیکن در واقع مکروه است»(مجمع النفایس: ص۷۵).

در نمونه‌های فوق مشاهده میشود که بررسی اشعار از منظر عروض و قافیه در سبک هندی جلوۀ فراوانی دارد. مردم عموماً بیسواد این عصر، بدون اطلاع از قوانین ادبی به سرایش اشعار دست میزنند و نتیجۀ آن وفور ایرادات عروض و قافیه در اشعار است.

نقد قالب شعر: تذکره‌نویسان شعار را از منظر قالبهای شعری آنها هم بررسی کرده‌اند. این بررسیها بیشتر در حد بیان قالب شعری باقی میماند و نقد عملی خاصی انجام نمیپذیرد. چون: دربارۀ هلالی جغتایی آمده است: «و در غزل و قصیده و مثنوی داد سخن داده» (تحفه سامی، سام میرزا صفوی: ص۱۵۳). اما گاه در آن میان مباحثی انتقادی و دقیقتر هم یافت میشود. دربارۀ غالب دهلوی گفته شد: «... قصاید و مثنویات و غزلیات و رباعیات دارد؛ اما مخالص قصاید خوب واقع نشده و قصیده بهتر از غزل میسراید و غالب قصاید او در مدح حکام فرنگ و رؤسا و اکابر هندوستان است» (تذکره شمع انجمن، حسن خان: ص۵۱۶-۵۱۷).

- **نقد انواع ادبی**: این نوع از انتقادات چندان برجسته و کارآمد نیست. در مورد شاه حسین سیاقی در تحفه سامی آمده است: «و از اقسام شعر طبیعتش به هجو سر راستتر بود» (تحفه سامی، سام میرزا صفوی: ص۲۱۶) درمورد امیر رفیع‌الدین حیدر معمایی آمده: «... و قطع نظر از عبارت آرایی، در فن شریف معما و تاریخ، یگانۀ فضلا و بر سرآمدۀ شعر است. همواره به افکار دوربین معمیّات متین و تواریخ رنگین دلنشین بر لوح بیان مینگارد و معمیّات بلاغت صفاتش در غایت خیال انگیزی است و تواریخ لطایف آیاتش در نهایت رنگ آمیزی ، و الحق ذوفنون است» (خلاصه الاشعار و زبده الافکار، کاشی: ص۲۱). شاید در نمونۀ اخیر نوع ادبی معما و دلیل

Archive of SID

www.SID.ir

اهمیت آن در اشعار یک شاعر بیـان شده باشد، امـا چـرا رفیع الدین حیدر اینقـدر بـه ایـن نوع ادبـی مشغول بوده است و معمـاهای او چه ویـژگیهایی دارد، تحلیـل نمیشـود. حکـیم شفایی: «بسیار خوش طبیعت بوده، در فنون شعر هم بدستور، لـیکن هجـا کـه بـه طریقـۀ فرضیه بر شاعر واجب میشود مانع شهرت او شده» (تذکره نصرآبادی، نصرآبادی: ص۳۱۴).

نقد بلاغی: بُعد دیگری از نقد صوری سخن گفتن در بلاغت و فنـون بلاغـی اسـت. بـه طوری که « میتوان گفت که ملاحظات انتقادی اینان در باب «استعاره» از بـدیعترین نکتـه سنجیها درین زمینه به شمار میرود. از جمله نکاتی که منیر لاهوری در باب استعـاره بـدان توجه کرده است مسئلۀ استعارههای «پا بر هوا» (استعـارههای معلق، فاقـد نقـش و فضـای لازم) یا استعارههای «بی مغز» یا استعارههایی است که «ته نـدارد» میباشـد (شـاعری در هجـوم منتقدان، شفیعی کدکنی: ص۳۶-۳۷). خان آرزو دربارۀ منیر لاهوری میگوید: «این قدر هست که طبعش به سبب ابهام و تشبیه ذائقه نمک استعاره ندارد با آن که مکرر مرتکب این معنی گردیـده» (مجمع النفایس: ص۱۱۷). از مشخصات دیگر این طرز صنعت پردازیها در اشعار اسـت؛ ماننـد اشـعار دارا که خوشگو دربارۀ وی گوید: « این غزل ذوقافیتین و تجنیس را در تتبع استادان قدیم ، به صنعت بسته » (سفینه خوشگو: ص۲۲۹)

نقد اصلاحی: این نوع نقد که در حوزۀ رویکرد صوری قرار میگیرد، به گونه ای است که ناقد در اصلاح بخشی از اشعار یا عبارات آن میکوشد و جایگزینهای پیشنهادی برای آن بیان میکند. چون کتاب تنبیه الغافلین اثر خان آرزواکبر آبـادی اسـت کـه دربـارۀ عیـوب اشـعار حزین لاهیجی میباشد و در بیان اصطلاحاتی بر ابیات او اسـت. خـان آرزو در قسـمتی کـه دربارۀ میر محمد افضـل ثابـت میـآورد؛ ابتـدا شـعری از او را آورده و سـپس اصـلاحاتی در شعرش انجام میدهد که شعر او و اصلاح آن عبارت است از:

«تکیه بر سرو زدی چون به گلستان رفتی قـامتـت کـرد دو بـالایی رعنـایی را

و پیش فقیر آرزو مصرع اول این بیت چنین بهتر است:« تکیه بر سـرو زدی مسـت چـو رفتی در باغ» (مجمع النفایس: ص۶۹).

شعری از میر محمد زمان راسخ:

«یادی از شام غم بزم خموشان کردیم مشتی از سرمه گرفتیم و پریشان کردیم

بعضی از شعرای هند بر بیت دوم اعتراض نمودند که جامه بر بالا کوتاه میباشد نه تنگ. لهذا میر محمد زمان راسخ مصرع، دور کرد و چنین گفت: «کوتهی کـرد بـه بـالای جنـون جامۀ صبر» لیکن بر متأمل ظاهر است که در این صورت، معنی از پایه میافتد. و پیش فقیر آرزو« جامه به بالا تنگ» صحیح است» (همـان: ص۸۳). اما سراسر کتاب تنبیـه الغـافلین از ایـن قسم اصلاحات است به طور مثال :

Archive of SID

www.SID.ir

حزین:

ظلمتکده عاشق از چهره منور کن　　تـا چنـد بروز آرم تـاریکی شبها را

خان آرزو: شب به روز آوردن است نه تاریکی به روز آوردن. اگر شـبهای تاریـک مـوزون میشد حسابی بود» (شاعری در هجوم منتقدان، شفیعی کدکنی: ص۱۳۲ ،به نقل از تنبیه الغافلین ص۷)۱.

علاء بیک مشکی تبریزی:

«هر جا که ز رخ پرده برانداخته باشی　　صد همچو مرا عاشق خود ساخته باشی

بخاطر میگذرد که اگر مصرع اول را چنین بخوانند بهتـر اسـت. «ترسـم کـه ز رخ پـرده برانداخته باشد» (تحفه سامی، سام میرزا صفوی: ص۱۳۷۲).

۱۰-۲. نقد معنایی در سبک هندی

معنا و مضمون در اشعار سبک هندی نمود فراوانی دارد. چون این شعر که از اهمیـت معنـا میگوید:

«چگونه معنی غیری برم که معنی خویش　　دوبار بستن کفر است در طریقت من»

(تذکره نصرآبادی، نصرآبادی: ص۳۳۱)

هر چند در این قسم نیز تذکره نویسان بـه بیـان کلیـات بسـنده میکننـد و توضـیحاتی دربارهٔ معنا و اهمیت آن نمیدهند. توجه آنان به معنا بیشتر از روی اصطلاحاتی کـه در ایـن مورد میآورند، تشخیص داده میشود. از نمونه هایی که برای رویکرد معناگرایانه بـه مـتن در تذکره‌ها دیده شد، موارد زیر ذکر میگردد. عبداللطیف خان تنها: «حاصـل سـخن در اغـراق معنی سخن را به جایی رسانیده بود که اکثر سخن سنجان، او را بی معنیگو قرار داده بودند. الحق داد وقت داده در این صورت فکر او از مـنهج ادراک دور میافتـد» (مجمع النفـایس، خـان آرزو: ص۶۶).

مضمون شعر: معنی لغوی مضمون، «در میان گرفته شده» (آنندراج، «مضمون») اسـت و از کلمه ضمن مشتق میشود. در معنی اصطلاحی به معنی و مقصودی که از یک گفتار یـا نوشتار فهمیده میشود یا به منظور و مقصود نویسندهٔ یک اثر ادبی مضمون گویند (فرهنگ سخن، "مضمون").

واژهٔ مضمون «علاوه بر آنچه که امروز از آن مراد میکنند، به خلق معانی خیال انگیـز بـا استفاده از تعبیرات و استعارات و تشبیهات بدیع، اطلاق میشد، و غالبـاً ایـن معـانی در ذات

۱. در این قسمت به دلیل اختصار به همین نمونه ها اکتفا شد؛ اما برای اطلاع بیشتر به کتاب شاعری در هجوم منتقدان از شفیعی کدکنی مراجعه شود.

Archive of SID

www.SID.ir

خود حاصل نگرش به اشیاء و امور عادی بود، و چیزی که آن را بدیع میکـرد شـیوه ای بـود که شاعر یا نویسنده در انتخاب زاویه دید به کار میگرفت» (قدما و نقد ادبی، کیانوش: ص۱۲۲).

گذشتگان ما عقیده داشتند که مضمونها از دیده‌ها، شنیده‌ها و یا خوانده‌های ما بوجـود میآید و مضمونهای بکر که در این سه قسم یاد شده وجود ندارد، از راه خیال وارد اثر ادبـی میشود، به این معنی که مضامین بکـر در آثـار ادبـی از خیـالات نویسـنده نشـأت میگیـرد؛ چنانچه میرزا فصیحی: «اکثر سخنان او شور انگیز و اغلب منظوماتش دلاویزسـت، مضـمون بکر این رباعی، عروسی از عروسان پرده نشین شبستان خیال آن افصح المتکلمین است، که در وصف حسن و جمال دلستانی و در وصف خط و خال نوجوانی که گرفتار او بود، بـر روی کار آورده است» (تذکره میخانه، فخرالزمانی: ص۵۷۴).

«صائب از وحدت نیفتد نوبهار از جوش گل در هزاران لفظ یک مضمون بدور افتاده است» (صائب،ج۲ :ص۵۶۸)

«پیش ما کز هرنگاهی پی‌به‌مضمون میبریم از لب گویای خوبان، چشم گویا بهترست» (همان: ص۴۹۸)

آنان ارزش شعر را در معنای آن میدانند. «پس شعری که متضمن بیان مراتـب عشـق و محبت و مواعیظ و حِکَم بود مذموم نیست، و مورد « إنّ من الشّعر لحکمه» همین اسـت و کلامی که مشتمل بر هجو اهل اسلام و اظهـار عیـوب و سـبّ و شـتم باشـد قبـیح اسـت و مصداق آیه کریمه: «الشعراءُ یتبعهم الغاون» همین واقع شده» (نتایج الافکار، گوپاموی:ص۳۴-۳۵).

گاه تذکره نویس مضامین یک شعر از شاعر را نقل میکند و گاه بـه تمـام اشـعار او نظـر دارد و کلیتی در باب مضامین مورد استفاده در اشعار یک شخص میگوید. مثلاً دربـارۀ میـر حاج جنابدی آمده است : «مداحی اهل بیت میکرده» (ریاض الشعرا،داغسـتانی ،ج۱ :ص۱۶۴). و درمـورد فقیر الله آفرین: «سرش به اهل دنیا بسـیار کـم فـرود میآمـد لهـذا مـدح اغنیـا بسـیار کـم کرد»(مجمع النفایس، خان آرزو: ص۴۳). درمورد مولانا کمال الدین حاتم صراحتاً بیان شده که: « ولآلی منظوماتش در بیان حالات عشق و نکات آن بهتر از عقود جـواهر[اسـت]» (خلاصـه الاشـعار و زبـده الافکار، کاشی:ص۳۵۲).

گاه تذکره نویس بنا بر مضمون اشعار، شعر را تصحیح میکند؛ چون شعر ابو البرکـۀ پـدر که میگوید:

«خشک شد کشت امید ما و شد قحط وفا ز آتـش دل تـا در آب چشـم بارانی نماند

بنابر سهو کاتب تا در آب را یا در آب خوانده. رقم تزییف و تزریق بر آن کشیده»(همان: ص۱۲۴).

Archive of SID

www.SID.ir

۱۱. گسترهٔ مباحث انتقادی در تذکره ها

مباحث مطرح شدهٔ انتقادی در تذکره «از کوچکترین مسائل مربوط به نحوه استعمال حروف اضافه، قیود، افعال ساده و مرکب تا شیوه های کارکرد مباحث بلاغی و سبکی و زبانی و طرح و ساختار ادبی» میباشد (همان: ص۸۴۵).

گسترهٔ مسائل ذکر شده بسیار متنوع است، اما تنها ایرادی که میتوان به عنوان بزرگترین عامل تأثیرگذار در کم توجهی به نقد این دوره بدانیم، عدم نظم و انسجام در مباحث است. تئوریهای قابل توجهی در این دوره یافت نمیشود و چون نقد عموماً در ساحت عملی و کاربردی آن باقی میماند، در نتیجه به دوره‌های بعد از خود هم تئوری خاصی را منتقل نمیکند چون این سخن دربارهٔ درویش دهکی: «اهل مجلس قدرت طبعش را از این بدیهه قیاس کرده و در تعظیمش افزودند» (تحفه سامی، سام میرزا صفوی: ص۱۸۶) که علت تحسین اشعار وی و ارزش بدیهه سرایی او را بیان نمیکند. پس با گذشت زمان و تغییر سنت ادبی عصر، نقدهای عملی با معیارهای ادبی روزگار معاصر تطابق ندارد و نقدهای کاربردی و متون انتقادی آنها کنار گذاشته میشود و نقد ادبی هیچگاه چون بدیع، بیان، عروض و قافیه، تاریخ ادبیات و ... رشد نمیکند. در مورد اصطلاحاتی که در حیطهٔ نقد ادبی در تذکره ها کاربرد دارد هم اوضاع بر همین منوال میباشد؛ چنانچه «بر رأی عقلای با انصاف ظاهر است که هر طایفه را از علما و غیره اصطلاحی مخصوص است که در استعمال آن منفردند و دیگران را از آن حظّی و نصیبی نیست. لهذا این طایفه عالیه، عبارات و اصطلاحات خاصی دارند که بدون اطلاع و استحضار از آن، درک کلام ایشان متعذر است» (مجمع الفصحا، هدایت،ج۲،ب۳: ص۳۵). وجود تئوریهای نقد کمک میکند تا هر اثر با توجه به یک سری معیارهای کلی سنجیده شود و معیارهای جزئی هم در هر عصر به تئوری نقد آن زمان افزوده شود. تنها در این شرایط میتوان انواع مکتبهای نقدی را تجربه کرد، اشعار را با توجه به ذوق زمانه های آنها سنجید، سنتهای ادبی هر عصر را با یکدیگر مقایسه کرد، سبکهای مختلف ادبی را به نحوی مطلوب تقسیم بندی و نام گذاری کرد، دوره های ادبی را با وجود معیارهای ادبی هر عصر شناخت. نحله‌های انحرافی را شناسایی کرد و چندین کاربرد دیگر که اگر تئوری نقد نباشد، وضعیت نقد آن منطقه چون روزگار امروز ایران میشود.

اکنون به ندرت یک پیشینهٔ انتقادی در کتب ما یافت میشود و بدتر از آن هر مقاله یا کتاب انتقادی سوار بر تئوریهای انتقادی غرب و مطابق با موازین آنها است. این مسئله ما را از سنت و سلیقهٔ ادبی بومی خود دور میکند و نتیجه، آن میشود که آثار ادبی جدا از سلایق و نیازهای افراد جامعه آفریده میشود و نقد آن آثار هم ارتباطی با موازین ذهنی مخاطبان موجود ندارد؛ چراکه با معیارهای غربی ساخته و پرداخته شده است. اکنون باید به نقد ادبی

Archive of SID

www.SID.ir

که موافق با آثار ادبی دیار خودمان باشد، بیندیشیم و از آن مفاهیم در پیشبرد نقد امروز کمک بگیریم.

نتیجه

در سبک هندی، نقد ادبی نه چون گذشته در حوزۀ تئوری و به صورت شفاهی، که در حوزه کاربرد و عمل، قرار گرفته است. تذکره‌های این عصر یک روند رو به جلو در راستای انتقادات خود داشته اند. با این وجود، آنها بیش از آنکه خود را درگیر شناساندن شاعر از طریق بیان زندگی آنها کنند، دست به انتخاب اشعار و بیان مطالب کلی دربارۀ شعر و شخصیت آنها میزدند. آفت نقدهای این دوره اما، غرض‌ورزیهای شخصی و دخالت احساسات و افکار درونی نویسنده در آثار انتقادی و نیز سجع پردازیها و لفاظیهای غیر معمول و بی دلیل به خصوص در مقدمه یا تعریف از شخص و شعر او است. رو نویسی تذکره ها از کتب پیش از خود و معاصرشان باعث افت مطالب و تکراری بودن آنها، حتی در نقدها میشود. در کل نقد ادبی در سبک هندی با وجود کاستیها یک پیشرفت برای کاربرد نقد در دنیای ادبیات ایران آن روزگار بوده است و شناخت آن به نقد بهتر آثار گذشته از منظر ملاکها و معیارهای خودشان و نیز کاربرد نقد ادبی در عصر معاصر کمک میکند.

منابع

۱. از معنا تا صورت: طبقه بندی و تحلیل ریشه ها، نظریه ها، جریانها، رویکردها، اندیشه‌ها و آثار مهم نقد ادبی در ایران و ادبیات فارسی.محبتی،مهدی. ج.۲. تهران: سخن. ۱۳۸۸.

۲. تحفه سامی. سام میرزا صفوی. مصحح: رکن الدین همایونفرخ. شرکت سهامی چاپ انتشارات کتب علمی. بی تا.

۳. تذکره المعاصرین. حزین لاهیجی، محمد علی بن ابی طالب.. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: معصومه سالک. تهران: نشر سایه. ۱۳۷۵.

۴. تذکره شمع انجمن. حسن خان،نواب صدیق. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: محمد کاظم کهدویی. یزد: دانشگاه یزد. ۱۳۸۵.

۵. تذکره مردم دیده. حاکم لاهوری، عبد الحکیم. تصحیح: علیرضا قزوه. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۹۰.

۶. تذکره میخانه. فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنبی. تصحیح و تکمیل تراجم: احمد گلچین معانی. شرکت نسبی حاج محمد حسین اقبال و شرکاء. ۱۳۴۰.

Archive of SID

www.SID.ir

۷. تذکره نصرآبادی. نصرآبادی،محمدطاهر. به کوشش: احمد مدقق یزدی. یزد: دانشگاه یزد. ۱۳۷۸.
۸. خلاصه الاشعار و زبده الافکار(بخش کاشان). کاشی،محمد بن علی تقی الدین. گرداورنده: عبدالعلی ادیب برومند و محمد حسین نصیری کهنمویی.تهران: مرکز پژوهش میراث مکتوب. ۱۳۸۴.
۹. دیوان صائب تبریزی. صائب تبریزی، محمد.ج۲. تصحیح: محمد قهرمان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی . ۱۳۷۰.
۱۰. ریاض الشعراء. داغستانی،علیقلی. مقدمه، تصحیح و تحقیق: سید محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر. ۱۳۸۳.
۱۱. سفینه خوشگو. خوشگو، بندرا بن داس. تصحیح: سید کلیم اصغر. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۹.
۱۲. شاعری در هجوم منتقدان: نقد ادبی در سبک هندی پیرامون شعر حزین لاهیجی. شفیعی کدکنی،محمد رضا.تهران: نشر آگه. ۱۳۷۵.
۱۳. شعر العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران. شبلی نعمانی، محمد. ترجمه: محمد تقی فخر داعی گیلانی. تهران: دنیای کتاب. ۱۳۶۸.
۱۴. فرهنگ جامع فارسی آنندراج. پادشاه، محمد [شاد]. زیر نظر: محمد دبیر سیاقی. بی جا: انتشارات کتابفروشی خیام. ۱۳۶۳ .چاپ دوم.
۱۵. قدما و نقد ادبی. کیانوش، محمود. تهران: رَز. ۱۳۵۴.
۱۶. کلمات الشعراء. سرخوش، محد افضل. تصحیح: علیرضا قزوه.تهران: موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ۱۳۸۹.
۱۷. مجمع الفصحا. هدایت، رضا قلیخان. ب.۳، ج.۲. تهران: امیرکبیر. ۱۳۸۲.
۱۸. مجمع النفایس(بخش معاصران). خان آرزو اکبرآبادی، سراج الدین.تصحیح: میرهاشم محدّث. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی. ۱۳۸۵.
۱۹.مذکر احباب. نثاری بخاری، حسن خواجه نقیب الاشراف. مقدمه، تصحیح و تعلیقات: نجیب مایل هروی. ۱۳۷۷.
۲۰. نتایج الافکار. گوپاموی،محمد قدرت الله. تصحیح و تعلیق: یوسف بیگ باباپور. قم: مجمع ذخایر اسلامی. ۱۳۸۷.
۲۱. نقد خیال:نقد ادبی در سبک هندی. فتوحی، محمود. تهران:نشر روزگار. ۱۳۷۹.

Archive of SID

www.SID.ir